



## دی‌دگاه

شماره: ۵۶۸

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

موضوع: پاشنه‌های آشیل اقتصاد مقاومتی

تهیه و تنظیم: محمدرضا رفعتی

### توضیح اجمالی:

عبارت شناخته شده‌ای در میان متون مختلف وجود دارد که می‌گوید میزان استحکام یک رشته زنجیر برابر است با میزان استحکام ضعیف ترین حلقه آن. در اقتصاد مقاومتی نیز این عبارت قابل تعمیم است. یعنی، مقاومت یک اقتصاد در مقابل ضربه‌های داخلی یا خارجی، تابع مقاومت ضعیف ترین اجزاء آن خواهد بود. بدین ترتیب، ضرورت دارد ضعیف ترین حلقه‌ها و عوامل موجود در اقتصاد شناسایی شده و در جهت تقویت و استحکام آنها اقدامات مقتضی صورت گیرد.

به عنوان نمونه، در بحث درآمدهای ارزی و اقتصاد تک محصولی کشور در دهه های اخیر مطالب زیادی نگاشته شده که حاصل آن استراتژی توسعه یا حتی جهش صادراتی و قطع وابستگی به درآمد نفت بوده است. در این نوشتار تلاش می‌شود از زاویه متفاوتی به موضوع اقتصاد مقاومتی نگاه شود. یعنی بُعد عرضه اقتصاد مقاومتی را مد نظر قرار می‌دهیم.

در بُعد عرضه، سرمایه و نیروی کار به عنوان عوامل اصلی تولید مطرح هستند. در این میان، سرمایه و سرمایه‌گذاری به دلیل حساسیت بالای آنها نسبت به ریسک و نااطمینانی از یکسو، و سیال بودن آنها از سوی دیگر، بیشترین نقش را در ضربه‌پذیر نمودن اقتصاد ایفا می‌نمایند.

چند سال پیش در جلسه‌ای با حضور نمایندگان بانک جهانی، یکی از کارشناسان آن بانک به صراحت می‌گفت که امروزه برای ضربه زدن به یک کشور از گزینه نظامی استفاده نمی‌شود، بلکه با تقویت جو نااطمینانی و ریسک به سهولت می‌توان سرمایه‌های یک کشور را به کشورهای بابتات غرب هدایت نمود. امروزه این سیاست عینیت بیشتری پیدا نموده، به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای پیشرفته می‌توان در قبال سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل، به اجازه اقامت و کار در آن کشورها دست پیدا کرد.

متأسفانه در کشور ما آمار رسمی یا برآوردهای نسبتاً دقیقی از میزان خروج سرمایه از کشور وجود ندارد، گرچه ارقامی نظیر دهها میلیارد دلار در رسانه‌های خبری درج گردیده است. در زمینه سرمایه‌گذاری نیز آمار رسمی در سالهای اخیر از سوی بانک مرکزی انتشار نیافته است، لکن آمارهای غیر رسمی از کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت به میزان ۴۱ درصد در سال ۹۱ حکایت دارد.

استدلال مشابهی را در خصوص نیروی کار می‌توان مطرح نمود. در این زمینه، از دو جنبه می‌توان به ضربه‌پذیری اقتصاد کشور پرداخت. آنچه بیشتر در افواه شایع است بحث فرار مغزهاست که به خروج نیروهای متخصص می‌پردازد. صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹ ایران را حائز رتبه اول در فرار مغزها اعلام نمود. بنیاد ملی علوم امریکا نیز اخیراً ایران را به عنوان دومین کشور در زمینه فرار مغزها اعلام کرد. به گفته وزیر علوم، تربیت یک نیروی نخبه یک میلیون دلار هزینه دارد. به این ترتیب خروج سالانه ۱۵۰ هزار نیروی متخصص از کشور به مثابه از دست دادن ۱۵۰ میلیارد دلار از سرمایه‌های انسانی کشور و تقدیم آن به کشورهای خارجی است.

## دی‌دگاه

### نکات کلیدی:

۱. توجه جدی به رشد پایدار در سرمایه‌گذاری و جلوگیری از خروج سرمایه از کشور، در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد کشور، ضرورت تام دارد. در این راستا سلسله اقدامات و سیاست‌هایی نظیر کاهش تنش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی، داشتن راهبردهای مشخص در زمینه تولید و تجارت، عدم تثبیت مصنوعی نرخ ارز و نرخ سود بانکی، تثبیت اقتصاد و کنترل تورم، تقویت سرمایه اجتماعی و حمایت از حقوق مالکیت، بسیار اثرگذار خواهند بود.
۲. عصر حاضر، عصر رقابت و نوآوری است. بنابراین، تخلیه نیروی فکری کشور و تقدیم آن به کشورهای پیشرفته، بیش از پیش اقتصاد کشور را ضربه پذیر خواهد کرد. از این‌رو، ریشه‌یابی دلایل فرار مغزها و اتخاذ سیاستها و اقدامات مناسب جهت حفظ آن در داخل کشور، ضرورت بسیار دارد. در این ارتباط نیز به نظر می‌رسد توجه به حفظ آرامش در عرصه سیاست داخلی و خارجی، رعایت اصل شایسته‌سالاری، تقویت آزادی‌های فردی و اجتماعی، تکریم مادی و معنوی از نخبگان و ایجاد کانال‌های ارتباطی با نخبگان علمی در خارج از کشور و استفاده از توانمندی‌های آنان شایان توجه باشد.
۳. ضربه‌پذیری اقتصاد تنها ناشی از کمبود نیروی متخصص نیست. نیروی کار غیرمتخصص نیز چنانچه گرفتار فشار معیشت شود، خواسته یا ناخواسته با میل و رغبت کمتری کار می‌کند و این نارضایتی، به صورت بهره‌وری کمتر نیروی کار و بروز تنش‌های اجتماعی، سیاسی و طبقاتی به ضربه‌پذیری اقتصاد کمک خواهد کرد. از این‌رو، کاهش سهم نیروی کار از تولید و درآمد ملی نمی‌تواند ادامه داشته باشد، بلکه شرایط باید به گونه‌ای مدیریت شود که عوامل تولید در دوران رونق یا رکود اقتصادی به‌گونه‌ای مناسب با افزایش یا کاهش در درآمد خود مواجه شوند.
۴. در مجموع، از نکات ذکر شده در سطور فوق چنین برمی‌آید که نقش سیاستها و اقدامات داخلی در خصوص مقاوم‌سازی اقتصاد به مراتب از جلوگیری از شوکهای خارجی اهمیت بیشتری دارد، گرچه از مورد دوم هم نباید غفلت کرد.

تأیید رئیس گروه مشاوران:

تأیید رئیس مؤسسه: